



Components and Foundations of Saudi Arabia's Desirable Regional Order in West Asia (2015-2020)

10.30495/PIR.2022.1956305.3484

Mustafa Boroujerdi¹, Mehsima Abdullahian²

Received: 2022/01/03
Accepted: 2022/05/10

Research Article

Abstract

Following the Regional developments known as Arab Spring and the popular uprisings in the Arab world, Saudi Arabia, sensing threatened by the new developments, initiated altering its regional strategies. A great portion of the changes made in the regional approach of Saudi Arabia has been linked to the reign of King Salman, and particularly to the rise to power of Crown Prince Mohammed bin Salman. Aiming to study and analyze the modality of the formation of desirable regional order of Saudi Arabia, the question arises: "What are the characteristics and components of the desirable Regional order of Saudi Arabia and what are its mechanisms and practical tools?" As a probable answer, the study reasons that the desirable regional order of Saudi Arabia in its periphery (Arabian Peninsula) is based on "hard and soft hegemony", "being defined as a dominant regional player in the Arab world (countries with cultural and social commonalities with Saudi Arabia)" and "Balancing in the Middle East region," And the study concludes that Saudi Arabia seeks to establish this order by building "alliance and coalition with the countries of the region", "attracting the support of America and the Zionist regime", and "strengthening its armament and military capabilities".

Keywords: Saudi Arabia, West Asia, Regional Order, Alliance and Coalition, Balancing

Boroujerdi, M., & Abdullahian, M. (2022). Components and Foundations of Saudi Arabia's Desirable Regional Order in West Asia (2015-2020). *International And Political Research Quarterly*, 14(50), pp. 85-101.

¹ Assistant Professor of the Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs Mostafa.boroujerdi@gmail.com

² M.A. International Relations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (Corresponding author) Za.abdollahian@gmail.com



مؤلفه‌ها و مبانی نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی در غرب آسیا (۲۰۲۰-۲۰۱۵)

10.30495/PIR.2022.1956305.3484

مصطفی بروجردی^۱، مه سیما عبداللهیان^۲

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

چکیده

عربستان سعودی بعد از تحولات منطقه‌ای موسوم به بهار عربی و خیزش‌های مردمی در جهان عرب، با احساس تهدید از تحولات نوین، ایجاد تغییراتی در راهبرد منطقه‌ای خود را آغاز کرد؛ بخش بزرگی از تغییرات ایجادشده در رویکرد منطقه‌ای عربستان با پادشاهی ملک سلمان و به‌خصوص قدرت گرفتن محمد بن سلمان در ارتباط بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی این سؤال را مطرح کرده است که: «نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی هست و سازوکارها و ابزارهای تحقق آن کدام‌اند؟» با استفاده از روش مطالعه توصیفی و کتابخانه‌ای و به‌عنوان پاسخی احتمالی، پژوهش این فرضیه را مطرح می‌کند که نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان در محیط پیرامونی خود مبتنی بر «برتری‌جویی سخت و نرم»، «تعریف شدن به‌عنوان بازیگر برتر منطقه‌ای در جهان عرب و «موازنه سازی در منطقه خاورمیانه» است و پژوهش چنین نتیجه می‌گیرد که عربستان با وجود موانعی که وجود دارد، استقرار این نظم را از طریق ایجاد اتحاد و ائتلاف با کشورهای منطقه، جذب حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی و تقویت تسلیحات و توان نظامی خود دنبال می‌کند.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، غرب آسیا، نظم منطقه‌ای، اتحاد و ائتلاف، موازنه سازی

^۱ بروجردی، مصطفی؛ عبداللهیان، مه سیما (۱۴۰۱). مؤلفه‌ها و مبانی نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی در غرب آسیا (۲۰۲۰-۲۰۱۵). فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۰، صفحات ۸۵-۱۰۱.

^۱ استادیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه Mostafa.boroujerdi@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول) Za.abdollahian@gmail.com

مقدمه

غرب آسیا همواره به‌عنوان منطقه‌ای با چالش‌های متعدد و تحولات پرشتاب و بی‌ثبات شناخته شده است. حمله صدام به کویت، تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، منازعات و کشاکش‌های بین محور مقاومت با رژیم صهیونیستی، خیزش مردمی جهان عرب و بحران‌های متعدد در سراسر منطقه، از جمله مسائل و تحولاتی بوده‌اند که باعث تشدید رقابت‌ها و منازعات و افزایش بی‌ثباتی در منطقه شده است. در چنین فضایی غرب آسیا برخلاف اغلب مناطق جهان، نتوانسته است به سمت شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای مناسب برای مدیریت منازعات و بحران‌ها حرکت کند.

عربستان در طول دهه‌های متوالی به افزایش ظرفیت‌ها و اثرگذاری منطقه‌ای خود در خاورمیانه مبادرت کرده است. رویکرد سیاست خارجی عربستان در سال‌های اخیر و به‌خصوص بعد از به قدرت رسیدن ملک سلمان، با تغییرات مهمی روبه‌رو شده است و نقش عربستان از کشوری طرفدار حفظ وضع موجود با رویکرد محافظه‌کارانه به کشوری دارای تمایلات تجدیدنظر طلبانه در خصوص شرایط منطقه‌ای و رویکردی تهاجمی تغییر یافته است. این واقعیت نشانگر آن است که در بررسی و تحلیل نظم منطقه‌ای کنونی در خاورمیانه و ارزیابی آینده آن، ارائه تبیینی مناسب از رویکرد عربستان سعودی در قبال مسائل و روندهای منطقه و ارزیابی اثرات ریاض بر نظم منطقه‌ای، به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی محسوب می‌شود.

با در نظر داشتن این مفروض که در منطقه غرب آسیا، الگو و منطق حاکم در روابط بین کشورها، آناژشی بر مبنای رقابت و تنش است و اکثر کشورهای غرب آسیا دغدغه معمای امنیت و بقا دارند و در این میان، برخی از کشورها به دنبال برتری‌جویی سخت و نرم بوده و در پی استقرار نظم مطلوب خود در منطقه‌اند، پژوهش تلاش خواهد کرد که به این مسئله مهم پاسخ دهد که نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هست و سازوکارها و ابزارهای تحقق آن کدام‌اند؟ پژوهش با بهره‌گیری از مفروضات و مفاهیم تئوری مکتب کپنهاک^۱ و استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی این فرضیه را مطرح می‌نماید که: به نظر می‌رسد نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان، برتری‌جویی سخت و نرم در محیط پیرامونی خود (شبه‌جزیره عرب^۲)، تعریف شدن به‌عنوان بازیگر برتر منطقه‌ای در جهان عرب و موازنه سازی^۳ در منطقه خاورمیانه است و استقرار این نظم را از طریق ایجاد اتحاد و ائتلاف^۴ با کشورهای منطقه، جذب حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی و افزایش تسلیحات و توان نظامی خود دنبال می‌کند. در ادامه ابتدا مفاهیم و محورهای نظم منطقه‌ای از دیدگاه مکتب کپنهاگ به‌عنوان چارچوب تئوریک پژوهش مطرح شده و در ادامه مؤلفه‌ها و مبانی این نظم تبیین و تحلیل خواهد شد.

۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش یعنی نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی در غرب آسیا مقالات و کتب زیادی نگارش شده است که در ذیل به تعدادی از آن‌ها پرداخته و همچنین زاویه دید پژوهش حاضر نیز تبیین خواهد شد.

کعب (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان: رئالیسم سعودی؛ تاریخ پادشاهی سعودی را مرور کرده و تبیین می‌کند که تشریح سیاست‌های بین‌المللی عربستان سعودی با رویکردهای تقلیل‌گرایانه سطوح فردی و ملی (وهابیت، سلفی‌گری...) نیست؛ بلکه بر اساس مفاهیم سیستماتیک همچون سیاست قدرت، آناژشی نظام بین‌الملل، امنیت‌جویی و موازنه‌گری خواهد بود.

قهرمان پور (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان: رقابت نظم‌های منطقه‌ای در غرب آسیا؛ نظم مطلوب ایران، عربستان و ترکیه؛ به بررسی نظم منطقه‌ای غرب آسیا پرداخته و به رقابت سه قدرت ایران، ترکیه و عربستان در راستای ایجاد نظم موردنظر خود می‌پردازد

^۱ .Copenhagen School

^۲ جهان به مساحت حدود ۳۶۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که در جنوب غربی آسیا واقع شده است. شبه‌جزیره عربستان، یا جزیره العرب وسیع‌ترین شبه‌جزیره.

^۳ .Balancing

^۴ . Alliance and Coalition

و چالش‌ها و فرصت‌های هرکدام از این سه کشور را در راستای رسیدن به این نظم نشان می‌دهد.

احمدی در مقاله‌ای با عنوان: عربستان سعودی و نظم مطلوب منطقه‌ای: چالش‌ها و استراتژی‌ها؛ به بحث نظم مطلوب عربستان سعودی پرداخته است اما این اثر هم مانند بقیه منابع به دوره مدنظر پژوهش ما یعنی دوره بن سلمان نپرداخته است. اسدی (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان: عربستان سعودی و نظم منطقه‌ای: از هژمونی‌گرایی تا موازنه‌سازی؛ به مفهوم‌سازی نظم مطلوب عربستان پرداخته است اما به مانند سایر آثار دوره بن سلمان را تبیین ننموده است. نظم مطلوب عربستان در دوران مذکور (۲۰۱۵-۲۰۲۰) و همچنین شیوه استقرار آن با تأکید بر نظم منطقه غرب آسیا به دلیل در حال تجربه بودن دوران ملک سلمان، تاکنون به شیوه‌ای کاربردی بررسی نشده است.

درباره سیاست خارجی عربستان به دلیل حساسیت بالای آن برای جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های متعددی وجود دارد؛ اما نظم مطلوب عربستان در دوران مذکور (۲۰۲۰-۲۰۱۵) و همچنین شیوه استقرار آن با تأکید بر نظم منطقه غرب آسیا به دلیل در حال تجربه بودن دوران ملک سلمان، تاکنون به شیوه‌ای کاربردی بررسی نشده است. این بررسی، تحقیق را به نوشته‌ای نو و کاربردی‌تر از منظر جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌کند.

۲- چارچوب نظری (مکتب کپنهاگ)

«مدرسه مطالعات امنیتی کپنهاگ»^۱، یک مدرسه دانشگاهی است که رویکردی انتقادی نسبت به مطالعات امنیتی دارد. اصطلاح مدرسه کپنهاگ اولین بار توسط پروفیسور «بیل مک سوینی»^۲، متخصص مطالعات صلح در دانشگاه «دوبلین»^۳ و یکی از منتقدان اصلی مدرسه کپنهاگ استفاده شد. مفروضات این مکتب بخشی از جنبش «پساپوزیتیویستی»^۴ در زمینه روابط بین‌الملل است که به بخش برجسته‌ای از تحقیقات امنیتی پس از جنگ سرد تبدیل شد. مکتب کپنهاگ با تکیه بر ایده‌های هستی‌شناسی ساخت‌گرایی در حوزه روابط بین‌الملل، به تهدیدات علیه دولت‌ها (به‌عنوان مثال، امنیت ملی) به‌عنوان موضوعاتی مبتنی بر ساخت اجتماعی می‌پردازد (Romaniuk, 2018: 1-2).

۲-۱- مبانی و اصول

مفاهیم اصلی مطرح‌شده در مکتب کپنهاگ عبارت‌اند از: ۱- امنیت به‌عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛ ۲- دولت به‌عنوان مرجع امنیت؛ ۳- امنیت موسع در برابر امنیت مضیق؛ ۴- غیرامنیتی کردن موضوعات؛ ۵- امنیت ملی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت (همتی گل‌سفیدی، ۱۳۸۶: ۲).

یکی از مبانی مکتب کپنهاگ نگاه تاریخی این مکتب به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ هست؛ بنابراین می‌توان این مکتب را واجد نوعی هستی‌شناسی سازه‌انگارانه دانست (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۲). از مبانی مهم دیگر مکتب کپنهاگ تأکید بر «خوشه‌های منطقه‌ای»^۵ امنیت است که برای تحلیل امنیت باید بر این مجموعه‌ها متمرکز شد (سلمانی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

مکتب کپنهاگ بر سه اصل اساسی استوار است:

- سطح تحلیل منطقه‌ای؛

- ابعاد متعدد امنیتی؛

¹ . The Copenhagen School of Security Studies

² . Bill McSweeney

³ . Dublin

⁴ . Post-Positivist

⁵ . Regional Clusters

- در خصوص «امنیتی کردن»، باور به نفی آن دارد (بوزان، ۱۳۹۰: ۹).

۲-۲- نظم منطقه‌ای^۱

«هله مالمویگ^۲» نظم منطقه‌ای را مجموعه‌ای از واحدهای جغرافیایی می‌داند که از واحدهای سیاسی مبتنی بر سرزمین تشکیل شده که تعامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر امنیت در سطح بالا و پایداری آن‌ها را به هم پیوند داده است (Malmvig et al., 2016: 33).

«باری بوزان^۳ و ویور^۴» نظم منطقه‌ای را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «به گروهی از دولت‌ها اطلاق می‌شود که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است»؛ اما در تعریف جدید در کتاب مناطق و قدرت‌ها، آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نظم امنیتی، عبارت است از «مجموعه‌ای از واحدها که در آن‌ها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آن‌ها، به اندازه‌ای درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی‌شان نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود» (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵).

۳- نظم منطقه‌ای غرب آسیا از منظر مکتب کپنهاک

به‌طور کلی می‌توانیم ویژگی‌های اصلی نظم منطقه‌ای در غرب آسیا را از زمان ظهور نظام دولت-ملت مدرن و تا سال ۲۰۱۱ به‌عنوان یک نظام دولت‌محور با یک مؤلفه‌ی قوی اقتدارگرایی و نظامی‌گری ترسیم نماییم (Del Sarto, Malmvig, i Lecha, 2019: 7).

در منطقه غرب آسیا، چهار عامل، بروز و تداوم نظم منطقه‌ای را با مشکلات جدی مواجه کرده‌اند:

- تهدیدات امنیتی داخلی دولت‌ها و افزایش احساس ناامنی؛
- بلندپروازی و ماجراجویی دولت‌های منطقه و مداخله آن‌ها در امور داخلی کشورهای دیگر؛
- رویکرد قدرت‌های خارجی و به‌طور مشخص آمریکا به منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت هژمون منطقه‌ای و حتی ظهور قدرت‌های منطقه‌ای؛
- رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای در داخل منطقه و همگرا نبودن آن‌ها (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۳۵).

۴- «طرح‌واره^۵» نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی

برقراری نظم بالاترین مرحله اعمال قدرت هر دولت (کشور) است. دولتی که به دنبال ایجاد نظم منطقه‌ای است، اهداف بلندپایه‌ای دارد. این دولت در صدد تثبیت و تقویت قدرت منطقه‌ای خود است. هدف اصلی دولت‌ها از ایجاد و حفظ نظم منطقه‌ای، افزایش قدرت خود در ورای مرزهای سرزمینی است (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۷۹). قدرت هژمون^۶ و مرکزی در سطح منطقه غرب آسیا وجود ندارد. لذا دولت‌ها نخست تلاش می‌کنند تا در زیر منطقه به برتری دست یابند (کعب، ۱۳۹۸: ۸۹).

نظم منطقه‌ای مدنظر عربستان در دوره ملک سلمان واجد سطوح ذیل است:

- سطح شبه‌جزیره عربستان؛

1. Regional Order

2. Helle Malmvig

3. Barry Buzan

4. Weaver

5. Schematic

6. Hegemony

- سطح جهان عرب؛

- سطح خاورمیانه (اسدی، ۱۳۹۷: ۳۷).

۴-۱- برتری جویی در شبه‌جزیره عرب

سطح اول حوزه شبه‌جزیره عربی را شامل می‌شود که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و یمن را در برمی‌گیرد. رویکرد عربستان در این حوزه را می‌توان برتری جویی سخت و نرم دانست. عربستان سعی دارد در این حوزه از ابزارهای نرم و بسترهای فرهنگی، هویتی عربی استفاده کرده و با تأکید بر عناصر ارزشی و فرهنگی، به جلب مشارکت و همکاری سایر کشورهای این حوزه بپردازد (اسدی، ۱۳۹۷: ۳۸).

نکته مهم در رفتار منطقه‌ای عربستان این است که ریاض برای تثبیت برتری خود این حوزه، به قدرت نرم اکتفا نمی‌کند و رویکردهای سخت‌گیرانه را هم در این خصوص آغاز کرده است:

الف: ورود نظامی عربستان به بحرین در سال ۲۰۱۱ به منظور ناکام گذاشتن انقلاب مردمی در این کشور بود که باعث کنترل قیام مردمی و حفظ بقای نظام آل خلیفه در بحرین شد (Nuruzzaman, 2013: 10)؛
ب: تهاجم نظامی گسترده عربستان به یمن بعد از تسلط انصار الله (جنبش حوثی‌ها) بر بخش‌های عمده‌ای از یمن بود که باعث وقوع جنگی شده که تاکنون (۲۰۲۲) ادامه دارد؛
ج: تلاش‌های عربستان برای ایجاد تغییرات اساسی در ساختار قدرت و تغییر رویکردهای سیاست خارجی قطر و منطبق ساختن آن با تمایلات ریاض بوده است (Harlow, 2016: 222-224).

۴-۲- هژمون جهان عرب

جهان عرب شامل ۲۲ کشور عربی می‌شود. در سطح جهان عرب عربستان با فرصت‌های مهمی برای اعمال و تثبیت برتری خود روبه‌روست. در حالی که عمده قدرت‌های سنتی جهان عرب و مدعیان رهبری عربی مانند مصر، عراق و سوریه در بحران به سر می‌برند، عربستان در تلاش است تا با بهره‌گیری از عناصر و ابزارهای در دسترس، به رهبر کلیدی جهان عرب تبدیل شود (اسدی، ۱۳۹۷: ۳۹).

در سیاست منطقه‌ای عربستان در جهان عرب، گونه‌ای برتری جویی نرم نیز مشاهده می‌شود. عربستان سعی دارد با تأکید بر عناصر ارزشی و فرهنگی و میراث مشترک عربی، از این عناصر به منظور شکل‌دهی به نظام جدید عربی با محوریت خود استفاده کند. پررنگ شدن هویت عربی در عربستان، به خصوص در دوره ملک سلمان، قابل توجه بوده و از جمله در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور، بر گسترش هویت و ارزش‌های فرهنگی عربی تأکید شده است (رؤیة المملكة العربیة السعودیة ۲۰۱۶-۲۰۳۰: ۱۷). تأکید بر لزوم کاهش یا پایان نقش قدرت‌های غیر عرب، به خصوص ایران و ترکیه در محیط عربی، به‌عنوان یکی دیگر از محورهای و عناصر موردنظر ریاض برای تثبیت برتری خود در جهان عرب تلقی می‌شود (رؤیة المملكة العربیة السعودیة ۲۰۳۰-۲۰۱۶: ۱۸).

۴-۳- موازنه سازی در خاورمیانه

در سطح خاورمیانه عربستان سیاست موازنه سازی را دنبال می‌کند و تلاش دارد تا به شکل‌گیری نظم موازنه‌ای در منطقه کمک کند (کعب، ۱۳۹۸: ۱۲۳). دولت‌ها به دو دلیل بر انتخاب توازن سازی تکیه می‌کنند. نخست کشور دیگری سد راه

¹. Houthi movement

هژمونی آن شود؛ اما زمانی که دولتی معین از دیگر دولت‌ها قدرتمندتر شود، بهتر است کشورها به تشکیل ائتلاف‌ها اقدام کنند (Gulick, 1955: 60). دوم نیاز کشور ضعیف به کمک، منجر به افزایش نفوذ طرف جدید در ائتلاف می‌شود و به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که کمک آن مطلوب به نظر خواهد رسید (Walt, 1998: 23).

به‌رغم تمایلات و سیاست‌های برتری‌جویانه و هژمونیک عربستان در دو سطح شبه‌جزیره عربی و جهان عرب، ریاض در سطح خاورمیانه با حضور بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی نمی‌تواند تمایلات برتری‌جویانه خود را عملی کند. هرچند برتری‌جویی در خاورمیانه نیز در قالب آرمانی و ایدئال‌های کلان سیاست منطقه‌ای ریاض مطرح است، در عمل، سیاست موازنه‌سازی در دستور کار رهبران سعودی قرار دارد (Hartmann, 2016: 5).

عربستان در این حوزه ایجاد ائتلاف منطقه‌ای گسترده به رهبری خود را برای مقابله با ایران دنبال نموده و حتی سعی کرد بازیگرانی مانند ترکیه و پاکستان را نیز ذیل چتر ائتلاف جدید وارد ساخته و به ایجاد موازنه در برابر ایران مبادرت کند. عربستان در حال شکل‌دهی به دوره جدیدی از تعاملات و همکاری‌ها با رژیم صهیونیستی در برابر ایران است؛ مسئله‌ای که رهبران رژیم صهیونیستی و سعودی به‌عنوان منافع مشترک در قبال تهدید و نفوذ منطقه‌ای ایران عنوان می‌کنند و انواع جدیدی از تعاملات، ولو غیررسمی، بین دو طرف در این راستا مشهود بوده است (Coates Ulrichsen, 2016:9-11).

۵- جایگاه عربستان در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

شکل‌گیری دولت عربستان بر اساس قدرت سیاسی و نظامی آل سعود و ایدئولوژی وهابیت بوده و بر این اساس است که نظام پادشاهی، وهابیت، نفت و وضعیت ژئوپلیتیک شبه‌جزیره‌ای و همچنین، تحولات نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده به سیاست خارجی عربستان محسوب می‌شوند (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۱۱-۱۱۷).

درحالی‌که طرح منطقه‌ای اولیه عربستان بر اساس دو عنصر سعودی - وهابی و پیوند آن‌ها قرار داشت، پیدایش نفت و روابط خاص عربستان با آمریکا در قالب معادله «نفت در برابر امنیت»^۱، به ایجاد تغییرات مهمی در خصوص نقش منطقه‌ای این کشور انجامید؛ نفت و آغاز شراکت استراتژیک عربستان و آمریکا از دهه چهل میلادی، عضویت مؤثر عربستان را در ائتلاف‌های تحت هدایت آمریکا و تأکید ریاض را بر تداوم حضور آمریکا در نظم منطقه‌ای در پی داشته است (شهاب، ۲۰۱۲: ۱۴۷-۱۴۵).

نظام سعودی از دهه سی به بعد، نظم منطقه‌ای مطلوب خودش را در اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های برتر جهانی، به‌ویژه آمریکا و از میان بردن یا منزوی ساختن رقبای خود در منطقه جست‌وجو می‌کرد و در دست گرفتن رهبری جهان اسلام و در نتیجه، نقش‌آفرینی به‌عنوان یک قدرت محوری را نیز مدنظر قرار داده بود (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۵۹).

عربستان از دهه هفتاد میلادی، نخستین تلاش‌های خود را برای تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای آغاز کرد. تأسیس «شورای همکاری خلیج فارس»^۲ گام نخست عملیاتی ریاض برای ساماندهی حوزه پیرامونی و شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای در حوزه پیرامونی بوده است. با تضعیف عراق و ایران در دهه هشتاد میلادی، با وقوع جنگی هشت‌ساله بین دو طرف و همچنین تشکیل «شورای همکاری خلیج فارس»، ریاض نخستین گام‌ها را برای نقش‌آفرینی منطقه‌ای آغاز کرد (Salem, 2008:).

عربستان از منابع مالی گسترده حاصل از فروش نفت برای توسعه وهابی‌گری در منطقه و سراسر جهان اسلام بهره برد، عامل مهمی که در این دوره در تأکید عربستان بر گسترش وهابیت نقش داشت، استقبال آمریکا از این موضوع و تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت دینی سعودی‌ها برای پیشبرد اهداف خود در منطقه بود (عبدالشافی، ۲۰۱۶: ۵).

^۱ Oil vs. Security

^۲ Gulf Cooperation Council

عربستان در دهه ۱۹۸۰، حمایت از عراق را برای مقابله با ایران و تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی در دستور کار خود قرار داد؛ اما جنگ کویت و تهدید آفرین شدن حکومت صدام، عربستان را به سمت اتخاذ سیاست کاهش تنش با ایران به پیش برد. با این حال، سیاست اصلی و محوری ریاض در دهه ۱۹۹۰، همراهی با سیاست مهار دوگانه آمریکا در منطقه و جلوگیری از نقش منطقه‌ای فزاینده ایران و عراق در منطقه بود (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

فروپاشی نظام بعث عراق در سال ۲۰۰۳ در نتیجه حمله آمریکا که باعث بهبود روابط ایران و عراق شد، در کنار نمایش قدرت گروه‌های مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی - در جنگ ۲۰۰۶ لبنان و جنگ ۲۰۰۸ غزه - باعث شد تا ریاض از تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران و محور مقاومت احساس تهدید نماید و موازنه سازی در برابر محور مقاومت را به عنوان هدف اصلی سیاست خارجی خود قرار دهد (اسدی، ۱۳۹۷: ۳۵).

سقوط حکومت مبارک در مصر، انقلاب مردمی در بحرین و جنبش مردمی در یمن از مهم‌ترین تحولاتی بود که باعث نگرانی شدید عربستان و در نتیجه، اتخاذ سیاست‌های نوین منطقه‌ای شد. عربستان ضمن تلاش برای مقابله با جنبش‌های مردمی و هدایت تلاش‌های ضدانقلابی که از جمله در سقوط حکومت محمد مرسی در مصر و توقف انقلاب بحرین اثرگذار بود، ایجاد ائتلاف‌های نوین در منطقه را نیز آغاز کرد (Kamrava, 2012: 96-99).

در یک دهه اخیر، با گسترش بحران‌های منطقه‌ای و در شرایطی که کشورهای کلیدی جهان عرب مانند مصر، سوریه و عراق درگیر منازعات و بحران‌های جدی هستند، عربستان در پی تثبیت جایگاه و رهبری منطقه‌ای خود بوده است. کنترل بحرین، حمله به یمن و اثرگذاری در بحران سوریه، مهم‌ترین ابعاد نقش‌آفرینی منطقه‌ای عربستان به عنوان قدرتی منطقه‌ای بوده است (Matthiesen, 2015: 4-8).

۶- راهبردهای استقرار نظم مطلوب

عربستان سعودی در جهت استقرار و عملی نمودن نظم منطقه‌ای مطلوب خود، راهبردهای خاصی را سرلوحه استراتژی سیاست خارجی خود در مناطق سه‌گانه مدنظر خود قرار داده است که به ترتیب مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱-۶- راهبرد اتحاد و ائتلاف

ائتلاف و اتحاد سازی یکی از راهبردهای مهم حوزه سیاست خارجی است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲). در یکی از مهم‌ترین تعاریف، لاو^۱ و اسپنسر^۲ ائتلاف را در دو سطح تعریف می‌کنند. در سطح اول، ائتلاف‌سازی مربوط به نگرش و کنش مقامات سیاسی کشور است. در سطح دوم نیز ائتلاف‌گرایی مربوط به فرهنگ سیاسی و شاخص‌های جامعه‌شناختی مردم است. این امر به مفهوم آن است که می‌توان نشانه‌هایی از میل به همکاری را در فرهنگ سیاسی آن کشور ملاحظه کرد (Lowe & Spencer, 2006: 37).

ائتلاف‌های منطقه‌ای ریاض با اهداف مختلفی شکل می‌گیرند:

الف: جنگ نیابتی با ایران

از منظر بسیاری از تحلیلگران و دیپلمات‌های عربی، ملک سلمان و ولیعهد وی، محمد بن سلمان برای رفع مشکلات و درگیری‌های داخلی جهان تسنن از طریق مواجهه با مشکل بزرگ‌تری که ایران و نیروهای نیابتی تحت حمایت آن است، تلاش می‌کنند. بزرگ‌ترین نگرانی ریاض، ایران شیعه و محور مقاومت آن، با تمرکز بر یمن است؛ چراکه حوثی‌ها در سال‌های

^۱ . Lowe

^۲ . spencer

اخیر، به مهم‌ترین تهدید برای امنیت عربستان سعودی بدل شده‌اند و نیز با محور مقاومت شیعی ایران نیز پیوند نیرومندی دارند (Mcdowall & Bakr, 2015: 5)؛ لذا از همان دوران، تلاش برای ایجاد یک بلوک یا بلوک‌های همسو به دغدغه اصلی عربستان جهت مقابله با ایران و محور مقاومت بدل شده است (Doubine, 2015: 12).

ب: استفاده ابزاری از سازمان‌های اسلامی و منطقه‌ای

یکی دیگر از اهداف ائتلاف‌سازی عربستان، بهره‌گیری غیر مشروع از نشست‌ها و سازمان‌های عربی-اسلامی و منطقه‌ای با هدف تهدید ایران و انتقاد از جمهوری اسلامی است. نشست‌های سه‌گانه شورای همکاری خلیج فارس، نشست اتحادیه عرب و نیز سازمان همکاری اسلامی در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در نهایت رنگ و بوی ضد ایرانی به خود گرفت. هدف عربستان نیز تأکید بر ائتلاف عربی-اسلامی ضد ایرانی در این نشست‌ها و میان کشورهای عضو این نهادها بود (Batrawy, 2019: 14).

ج: ایفای نقش مؤثر در سیاست خارجی قدرت برتر منطقه‌ای

عربستان مانند گذشته، در طول سال‌های اخیر نیز سعی در ایفای نقش همکاری هژمون در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا داشته است. نمونه روشن این موضوع، قبول نقش نیابتی در دفاع از آمریکا در خاورمیانه توسط عربستان است؛ از این رو، شکل‌گیری ائتلاف میان عربستان و برخی بازیگران دیگر از قبیل رژیم صهیونیستی نیز در این زمینه ارزیابی می‌شود (مددی، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

د: تلاش برای مقابله بانفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران

ایران قدرتی منطقه‌ای است و توانایی تأثیرگذاری بر تحولات منطقه به شکل حداکثری را داراست. از جایگاه ایران در تحولات خاورمیانه، چه از منظر دیپلماتیک و نرم و چه سخت، نمی‌شود چشم‌پوشی کرد. از همین منظر است که عربستان ایران را به‌عنوان مهم‌ترین رقیب خود می‌بیند (Daoud, 2015: 23). این رقابت گاه به یک جنگ نیابتی کشیده شده و گاه نیز در چارچوب قدرت‌نمایی دیپلماتیک خود را نشان داده است (World Politics Review, 30 May 2019).

در پایان این بحث می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی همواره جایگاه تعیین‌کننده‌ای را در تأمین امنیت عربستان داشته است. عربستان با توجه به نگرانی‌های داخلی و منطقه‌ای در طول سه دهه اخیر، به‌ویژه با وقوع تحولات عربی در سال ۲۰۱۱، همواره در تلاش بوده است تا با استفاده از شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی، موقعیت برتری را در نظام منطقه‌ای خاورمیانه در برخورد با موضوعات سیاسی و امنیتی از آن خود سازد.

۲-۶- راهبرد کسب حمایت و ایجاد روابط با آمریکا

شروع روابط غیررسمی ایالات متحده و عربستان سعودی به دهه سی میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که ملک عبدالعزیز بن سعود، پایه‌گذار عربستان سعودی، بر آن شد تا برای تثبیت پایه‌های حکومت خود، کمک‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی خارجی را جلب کند. بر این اساس، در سال ۱۹۳۳ امتیاز کشف و استخراج نفت به شرکت آمریکایی «استاندارد» واگذار شد که می‌توان این اقدام را آغاز ورود آمریکایی‌ها به صحنه سیاسی عربستان دانست (Delanery, 2009: 23). درک اهمیت نفت سبب چرخش سیاست خارجی آمریکا در قبال عربستان سعودی شد و این عامل و همچنین نیاز متقابل عربستان به آمریکا برای حل مشکلات اقتصادی، به نزدیکی هرچه بیشتر آن‌ها منجر شد که سرآغاز روابط رسمی دو دولت را در ۱۹۵۱ رقم زد، در

این سال ایالات متحده که عمق نگرانی‌های امنیتی پادشاهی سعودی را دریافته بود، وارد توافقی دوجانبه با ریاض شد که بر طبق آن، متعهد به نوسازی ارتش عربستان شده و اجازه ایجاد پایگاهی در الظهران^۱ را کسب می‌کرد (Quandt, 1981: 266). بعد از پایان یافتن جنگ جهانی دوم و همچنین خروج انگلیس از منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، آمریکا در منطقه خلیج فارس دو نکته را اساس کار خود قرار داد: ۱. احتمال به مخاطره افتادن منافع غرب؛ ۲. تمایل نداشتن به مداخله مستقیم در منطقه به‌عنوان جانشین انگلیس. به همین دلایل، دولتمردان آمریکا تأکید داشتند که کنترل ثبات و امنیت در منطقه به‌وسیله مشارکت مستقیم دولت‌های منطقه صورت گیرد. در این راستا، ایران و عربستان به‌عنوان دو پایه امنیت منطقه انتخاب شدند که از آن به‌عنوان «سیاست دو ستونی نیکسون» یاد می‌شود (Behestani & Hedayati, 2014: 27).

روابط آمریکا با عربستان، هم‌زمان با ریاست‌جمهوری باراک اوباما، تغییراتی را تجربه کرد. از جمله مهم‌ترین تغییرات صورت گرفته در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، کاهش تمرکز بر خاورمیانه است. اوباما به دلیل اولویت دادن به «سیاست چرخش به آسیا»، تمرکز بر مناطق دیگر را از جمله خاورمیانه کاهش داد و راهکاری متفاوت برای مدیریت منازعات در این منطقه در پیش گرفت. مهم‌ترین راهکار وی که آشکارا مطرح شد، تلاش برای ایجاد موازنه در منطقه خاورمیانه میان عربستان و ایران بود. اوباما آشکارا از ضرورت «تقسیم» خاورمیانه میان عربستان و ایران سخن گفت (Goldberg, 2016: 20).

دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ سیاست خاورمیانه‌ای دولت اوباما را به‌طور کلی مورد انتقاد قرار داد. ترامپ «رفتار نادرست» دولت اوباما با متحدان سنتی -عربی آمریکا را مطرح کرد و در عمل، بر ضرورت بازگشت از رویکرد اوباما تأکید کرده و در برابر آن، بر تحکیم روابط با متحدان سنتی با هدف «بازگرداندن بخشی از پول‌ها» به آمریکا پافشاری کرده است. این به معنای ضرورت گرفتن هزینه امنیتی است که ایالت متحده برای متحدان منطقه‌ای آن در غرب آسیا فراهم می‌آورد (احمدیان، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

دولت‌های متوالی ایالات متحده از دولت سعودی به‌عنوان یک شریک مهم یاد کرده‌اند و فروش تسلیحات و همکاری‌های امنیتی مرتبط با آن با نظارت کنگره و برخی مخالفت‌های کنگره ادامه یافته است. دولت بایدن اعلام کرده است که به دنبال تنظیم مجدد روابط ایالات متحده و عربستان و درعین حال حفظ حمایت ایالات متحده از امنیت پادشاهی است (Blanchard, 2021: 2).

در ارتباط با کسب حمایت رژیم صهیونیستی از این کشور قابل ذکر است که تغییر ولایتعهدی در عربستان سعودی و واگذاری قدرت به محمد بن سلمان، با رضایت قابل توجه سران رژیم اشغالگر قدس مواجه شد. برخی از سران رژیم صهیونیستی نیز معتقدند که محمد بن سلمان در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، سیاست احتیاط را دنبال خواهد کرد؛ اما یقیناً در ادامه رویکرد سیاسی سعودی‌ها به سمت وسوی توسعه و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، همانند امارات متحده عربی و بحرین پیش خواهد رفت؛ تا جایی که ایجاد یک جبهه واحد و همسو با همکاری عربستان - رژیم صهیونیستی برای از بین بردن دامنه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان، عراق، سوریه و یمن را می‌شود محتمل دانست (McKernan, 2017: 27).

در پایان این بحث می‌توان چنین ادعا کرد که افزایش روابط عربستان و آمریکا در سطوح مختلف، به‌خصوص در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، در جهت افزایش نفوذ منطقه‌ای عربستان و استقرار نظم مطلوب آن صورت گرفته است و همچنین، هدف کاهش قدرت منطقه‌ای ایران و متحدان آن در غرب آسیا را دنبال می‌کند.

^۱. Dhahran

۳-۶- راهبرد تقویت تسلیحاتی

از جمله هزینه‌های راهبردی عربستان در ایفای نقش منطقه‌ای خود را باید در ارتباط با افزایش هزینه‌های نظامی دانست. عربستان سعودی به دلایل متعددی در حال افزایش نیروی نظامی خود به‌ویژه از سال ۲۰۱۵ است که ناشی از رقابت نظامی آن در منطقه، خصوصاً با ایران است (پرتو، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

عربستان از نظر ارزش و حجم یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات از آمریکا بوده است. دولت اوباما و ترامپ پیشنهاد فروش تسلیحات با ارزش کل بالقوه بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار از سال ۲۰۰۹ تاکنون را به کنگره اطلاع داده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت احتمالی عربستان سعودی برای استراتژی ایالات متحده در خاورمیانه است (Clayton, 2020: 24).

می‌توان گفت بعد از شتاب گرفتن پیشرفت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و افزایش قدرت نرم منطقه‌ای ایران بر پایه دیپلماسی هدفمند، عربستان رویکرد ایران را به‌عنوان یک تهدید جدی برای منافع خویش تلقی می‌کند؛ لذا از دید عربستان، تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به قدرت منطقه‌ای و یک بازیگر فعال در غرب آسیا، با ابعاد تأثیرگذاری در عرصه بین‌المللی پذیرفتنی نیست؛ بنابراین، این کشور سعی دارد با افزایش قدرت نظامی خود و خرید تسلیحات پیشرفته، به موازنه قدرت منطقه‌ای در برابر ایران دست یابد.

۷- فرصت‌ها و چالش‌های عربستان در راستای دستیابی به نظم مطلوب منطقه‌ای

عربستان در راستای دستیابی به نظم مطلوب منطقه‌ای خود سعی کرده است تا چند دسته از عوامل و ظرفیت‌ها را در اختیار گرفته و بر چالش‌ها و موانع پیشرو مسلط گردد:

۷-۱- فرصت‌ها

الف: وسعت جغرافیایی و مرکزیت ژئوپلیتیک

موقعیت ممتاز جغرافیایی عربستان سعودی و دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس و دریای سرخ این امکان را فراهم آورده است تا از دو سوی این کشور برای حمل‌ونقل دریایی استفاده شود (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۲۱ و ۲۰). این موقعیت ممتاز عربستان سعودی و دسترسی این کشور به دریای سرخ و خلیج فارس ارزش ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فردی به این کشور داده است؛ تأسیسات خطوط لوله انتقال نفت، حوزه‌های نفتی را به پایانه‌های دریایی و سکوها‌های بارگیری در خلیج فارس و دریای سرخ متصل می‌کند. (Baghat, 2003: 455-456)

ب: ظرفیت اقتصادی

عربستان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای منطقه و بخشی از «گروه بیست»^۱ است که بیست اقتصاد بزرگ جهان را شامل می‌شود. علاوه بر این عربستان سعودی بزرگ‌ترین تولیدکننده و همچنین صادرکننده نفت است و بیش از یک‌چهارم ذخایر نفتی شناخته‌شده کل جهان را در خود جای‌داده است (Almomani, 2019: 524). این کشور به لحاظ اقتصادی از ظرفیت‌های بالایی برخوردار است و شانزدهمین اقتصاد جهان به لحاظ تولید ناخالص داخلی محسوب می‌شود. عربستان با

1. گروه بیست یا G-20 گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دارایی) و مسولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد برتر جهان است. گروه ۲۰ متشکل از قدرتمندترین کشورهای جهان در زمینه اقتصاد است که در مجموع ۸۵ درصد کل اقتصاد جهانی و دو سوم جمعیت جهان را دربردارند.

به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی سعی می‌کند تا به جلب همکاری گروه‌ها و کشورهای منطقه یا حمایت از برخی از آن‌ها در برابر تهدیدات مورد تصور پردازد (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

ج: داشتن اشتراکات هویتی با دولت‌های شبه‌جزیره عربی:

مزیت دیگر عربستان، سیطره بر شورای همکاری خلیج فارس و داشتن اشتراکات هویتی با دولت‌های شبه‌جزیره عربی است. در سال‌های اخیر و به‌خصوص بعد از سال ۲۰۱۷، با اقدامات قطر و تا حدی کمتر امارات، این سیطره با چالش‌هایی مواجه شده است. در حال حاضر، بقیه دولت‌ها جز بحرین، چندان تابع تصمیم‌های ریاض نیستند و به آرامی می‌کوشند هم‌زمان با ریاض، روابط خود را با سایر قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه افزایش دهند. در چنین شرایطی، عربستان باید بتواند ضمن حفظ انسجام درونی شورای همکاری خلیج فارس، قدرت آن را افزایش دهد و از آن برای حل مشکلات شبه‌جزیره و در رأس آن‌ها، یمن، استفاده کند (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۱۲۰).

د: بحران‌ها و چالش‌های جدی قدرت‌های سنتی جهان عرب

این عامل فرصتی برای عربستان در راستای دستیابی به برتری در جهان عرب محسوب می‌شود. عراق که از دهه ۱۹۸۰ با جنگ‌ها و بحران‌های متعددی درگیر بوده و حداکثر تلاش خود را برای تثبیت شرایط داخلی خود به کار گرفته است. سوریه نیز از سال ۲۰۱۱، با بحران و جنگ داخلی شدیدی مواجه شده و حتی در عمل، به عرصه‌ای برای رقابت سایر بازیگران تبدیل شده است. در چنین شرایطی، انگیزه و تمایل نسل جدید رهبران به رهبری محمد بن سلمان، باعث تقویت تلاش‌های برتری‌جویانه عربستان در جهان عرب شده است (Meighan, 2017: 1). هرچند کشور عربستان سعودی هم از جرگه قدرت‌های سنتی خاورمیانه به حساب می‌آید اما این کشور چنان‌که در سطور فوق اشاره شد تحت حاکمیت محمد بن سلمان و ایده‌های نو و به‌روز ایشان تا حدود زیادی از چالش‌های پیشروی سایر قدرت‌های منطقه رهایی جسته است.

ه: روابط خاص با کشورهای منطقه

عربستان در دوره اخیر، با اعطای امتیازات اقتصادی توانسته کشورهایمانند مصر، سودان، مراکش و اردن را علاوه بر عمده کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در کنار خود داشته باشد. مهم‌تر اینکه عربستان در دوره ملک سلمان، تلاش کرده تا به عادی‌سازی تدریجی روابط با رژیم صهیونیستی مبادرت کند و در سطح غیررسمی، تعاملاتی را با این رژیم شکل دهد؛ اما مهم‌تر از همه این‌ها تداوم شرکت راهبردی عربستان با آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین عاملی است که به ریاض در شکل‌دهی به موازنه و مهار بازیگران رقیب کمک می‌کند (اسدی، ۱۳۹۷: ۴۷).

۲-۷- چالش‌ها

الف: چالش‌های داخلی

عربستان در سطح داخلی، هویتی را تبلیغ کرده و رواج داده که با مدرنیته در تضاد آشکار است و در سطح منطقه‌ای جذابیت زیادی ندارد؛ به عبارتی، عربستان در قیاس با ایران و ترکیه کمترین ظرفیت را برای تبدیل شدن به الگوی هویتی جذاب دارد. محدودیت‌های اعمال‌شده بر زنان در خیلی از موضوعات، نبود پارلمان و انتخابات و جریان‌ها و احزاب سیاسی مختلف، سخت‌گیری‌های مذهبی بر رفتار مردم، نبود رسانه‌های منتقد و خیلی مسائل دیگر، مانع از آن می‌شود تا عربستان یک الگوی هویتی جذاب، مخصوصاً برای نسل جوان منطقه باشد. عربستان مظهر سنت‌گرایی و ضدیت با مظاهر مدرن در جهان اسلام

است و تاکنون، فقط گروه‌های سلفی رادیکال به این کشور به‌مثابه‌ الگوی هویتی توجه کرده‌اند. نظام آموزشی و قضایی و اجتماعی هم تضادهای آشکاری با مدرنیته دارد و حتی به‌نوعی، مبلغ رادیکالیسم مذهبی است (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۸۳).

ب: رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

اگر عربستان بخواهد نظمی منطقه‌ای را ایجاد کند، ناگزیر باید بر شبه‌جزیره عربی تمرکز کند و هسته نظم مطلوب خود را در این زیر منطقه قرار داده و سپس به مناطق دیگر گسترش دهد؛ اما شبه‌جزیره عربی در همسایگی ژئوپلیتیکی خود با دو زیر منطقه خلیج فارس و دریای سرخ همسایه است. در خلیج فارس، ایران رقیب منطقه‌ای عربستان است و در حوزه دریای سرخ هم مصر و رژیم صهیونیستی قرار دارند که باوجود ناتوانی در ایجاد نظم منطقه‌ای در حوزه دریای سرخ، همچنان بازیگران اثرگذار و مهمی محسوب می‌شوند و ریاض نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد. عربستان برای گسترش نظم منطقه‌ای مطلوب خود ناگزیر از مواجهه با ایران در خلیج فارس است (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

ج: محور مقاومت

یکی از اهداف اصلی محور مقاومت، کاهش نفوذ آمریکا در منطقه است؛ آن‌هم درحالی‌که عربستان سخت نیازمند حفظ حضور نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه است. ریاض بعد از آغاز جنگ داخلی در سوریه، درصدد برآمد تا حکومت بشار اسد را ساقط کند و یک حکومت همسو را در سوریه سرکار بیاورد تا بتواند در مقابل نفوذ ایران در عراق، موازنه ایجاد کند؛ اما محور مقاومت مانع تحقق این خواسته ریاض شد. در لبنان هم تلاش‌های ریاض برای تضعیف حزب الله و تقویت اهل سنت راه به‌جایی نبرد و در عراق هم نیروهای سیاسی طرفدار ایران در مقابل عربستان ایستادند (قهرمان پور، ۱۳۹۹: ۸۳).

۸- نتیجه

چنان‌که گفته شد در حال حاضر امنیت از شکل مضیق خود که صرفاً بر امور نظامی تأکید می‌کرد، خارج و امنیت موسع که ابعاد مختلف امنیت چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی را شامل می‌شود، مدنظر دولت‌ها قرار گرفته است. طبق مفروضات مکتب کپنهاگ ایجاد امنیت به‌صورت فردی توسط یک دولت به‌سختی امکان‌پذیر است و کشورهای یک منطقه با داشتن استلزاماتی خاص امنیت خود را در قالب یک منطقه‌ی خاص دنبال می‌کنند که این مجموعه‌ی امنیتی با شرکت چند کشور که دارای ویژگی‌های چون مجاورت جغرافیایی، فرهنگ و تاریخ مشترک و... می‌باشند، شکل می‌گیرد. طبق مفروضات مکتب کپنهاگ یک قدرت فرا منطقه‌ای و حداقل دو کشور منطقه‌ای قدرتمند نظم منطقه‌ای مدنظر را مدیریت می‌کنند. در قالب مکتب کپنهاگ و آموزه‌ها و مفروضات این تئوری می‌توان قائل به وجود نظم منطقه‌ای خاصی در منطقه‌ی غرب آسیا (خاورمیانه) بود. پژوهش باهدف پاسخ‌گویی به این سؤال که «نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های است و سازوکارها و ابزارهای تحقق آن کدام‌اند»، به تحلیل نظم موجود در منطقه و اجزا و مفروضات آن پرداخت. گفتیم که عربستان یکی از اثرگذارترین بازیگران بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا محسوب می‌شود. این کشور با هماهنگ کردن خود باسیاست‌های خارجی کشور آمریکا در منطقه و استفاده از پتانسیل‌های داخلی چون وجود منابع عظیم انرژی، رهبری جهان اسلامی سعی نموده است که توان تأثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای را به دست آورد. عربستان حصول به سیاست منطقه‌ای مطلوب خود را از طریق سه راهبرد اصلی دنبال می‌کند:

۱. گسترش و ایجاد روابط با آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ ۲. تأکید بر تشکیل و احیای ائتلاف‌های منطقه‌ای؛

۳. افزایش توان تسلیحاتی و نظامی خود.

نهایتاً پژوهش با تحلیل و بررسی طرح‌واره و ابزارها و سازوکارهای عملی کردن نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) به این نتیجه رسید که عربستان سعودی رویکردی سه سطحی را در خصوص نظم منطقه‌ای در پیش گرفته است که عبارت‌اند از:

۱. برتری جویی سخت و نرم در محیط پیرامونی یا حوزه شبه‌جزیره عربی؛

۲. دستیابی به برتری منطقه‌ای و گاه برتری جویی نرم در جهان عرب؛

۳. موازنه سازی در سطح منطقه خاورمیانه.

عربستان هرچند در سطوح مختلف، به‌رغم بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی مانند توان اقتصادی و جایگاه و روابط سیاسی و راهبردی بین‌المللی و تلاش‌های معطوف به ائتلاف‌سازی در منطقه، با موانعی از جمله وابستگی نظامی و امنیتی عربستان به آمریکا در منطقه خلیج فارس، سازگار نبودن فرهنگ سنتی عربستان با ساختار سیاسی- فرهنگی کشورهای منطقه و حضور و اثرگذاری گسترده ایران در منطقه روبرو بوده است اما چنین می‌توان ادعا کرد که این کشور همچنان در راستای استقرار نظم منطقه‌ای مطلوب و مدنظر خود در منطقه خاورمیانه تلاش می‌کند و سعی در برطرف نمودن چالش‌های پیشروی استقرار نظم مطلوب خود دارد.

موقعیت ایران در منطقه و تحولات منطقه‌ای، این احساس را به وجود آورده است که ایران در موقعیت برتری در منطقه قرار گرفته؛ بنابراین، عربستان و رژیم صهیونیستی و سایر کشورهای عربی می‌خواهند با نزدیک شدن به یکدیگر و ایجاد جبهه مشترک، بر مهار ایران متمرکز شوند. عدم موفقیت این کشورها در تضعیف ایران منجر به پذیرش ایران به‌عنوان رکنی مهم در نظم منطقه‌ای مدنظر عربستان و شروع مذاکرات میان طرفین باهدف برقرار روابط دوجانبه شده است.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۴۳۹-۴۵۸.
- احمدی، حمید (۱۳۹۵)، «مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (جلد دوم)»، ویراسته سید جلال دهقانی فیروزآبادی و بهزاد احمدی لفورکی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- احمدیان، حسن، (۱۳۹۷)، *عربستان سعودی: تحولات، چالش‌ها و چشم‌انداز*، ویراسته مهدی شاپوری و یاسر نورعلی‌وند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰(۱)، صص ۱۰۷-۱۳۳.
- اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۷)، «عربستان سعودی و نظم منطقه‌ای: از هژمونی گرایی تا موازنه سازی»، مجله جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹(۳)، صص ۲۷-۵۲.
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، «ایالات متحده و قدرت بزرگ: سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم»، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، بری، ویور، الی (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*، ترجمه رحمان، قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- پرتو، امین، (۱۳۹۷)، *عربستان سعودی: تحولات، چالش‌ها، چشم‌انداز*، ویراسته مهدی شاپوری، یاسر نورعلی وند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۳)، «آمریکا و عربستان پس از اشغال عراق: سیاست پیشگیری دموکراتیک»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات خاورمیانه، ۲۲(۱)، صص ۲۷-۴۶.
- زراعت‌پیشه، نجف، (۱۳۸۴)، *برآورد استراتژیک عربستان سعودی*، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- سلمانی، (۱۳۸۵)، «اصول و مبانی تحلیل امنیت؛ یافته‌ها و کاستی‌های مکتب کپنهاگ»، گفتگوی علمی، ماهنامه نگرش راهبردی، ۷۸(۲)، صص ۱۳۹-۱۵۴.
- شهاب، سلام جبار، (۲۰۱۲)، «الدولة الريعیة وصياغة النظم الاقليمية (دول الخليج انموذجاً)»، مجلة السياسية و الدولية، الجامعة المستنصرية، العدد ۲۱.
- صادقی، حسین و احمدیان، حسن، (۱۳۸۹)، «عربستان سعودی: از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۲(۳)، صص ۱۳۷-۱۷۰.
- عبدالشافی، عصام، (۲۰۱۶)، *السیاسة السعودیة و القضایا الاقليمية (الجزء الاولک نشاه و تأسيس العلاقات الامریکیة - السعودیة)*، دراسات سیاسیة، ۲ مایو ۲۰۱۶، المعهد المصری للدراسات السياسية و الاستراتيجية
- قهرمان پور، رحمن، (۱۳۹۹)، *رقابت نظم‌های منطقه‌ای در غرب آسیا: نظم مطلوب ایران، عربستان و ترکیه*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کعب، احمد، (۱۳۹۸)، *رنالیسم سعودی: مطالعه‌ای در روابط بین‌الملل*، تهران: جوینده.
- مددی، جواد، (۱۳۹۶)، *مشق شلیک: روند و آثار ائتلاف‌های عربستان علیه ایران*، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- همتی گل سفیدی، حجت‌الله، (۱۳۸۸)، *حضور ناتو در کشورهای جانشین شوروی؛ ریشه‌ها و عوامل: با تأکید بر منطقه آسیای مرکزی*، کتاب مجموعه مقالات پانزدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز؛ گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز: ابعاد و پیامدها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- Almomani, H., M. (2019). "Saudi Arabia's Geopolitical Interests in the Levant and the Threat Perception 2011-2017", *Human and Social Sciences*, 46(4), pp.524-536.
- Baghat, G. (2003). "The New Geopolitics of Oil: The United States, Saudi Arabia, and Russia", *Orbits*.
- Batrawy, A. (2019). "Saudi King Salman urges international effort to the war Iran", APN News, Available at: <https://www.apnews.com/37b6b36a10ba456b84507e69fcc355e4> (Access on ,7 April2021).
- Behestani, M., & Hedayati, M. (2014). "Twin Pillars Policy Engagement of Us-Iran Foreign Affairs during the Last Two Decades of Pahlavi Dynasty", *Asian Social Science*, 11(2).
- Blanchard, Ch. (2021). "Saudi Arabia: Background and U.S. Relations", Congressional Research Service, Available at: [RL33533.pdf \(fas.org\)](https://www.congress.gov/rl33533) , (Access on ,7 December, 2021).
- Clayton, Th. (2020). "Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy", Congressional Research Service", Available at: <https://crsreports.congress.gov/R44984>, (Access on ,1 December,2021).
- Coates Ulrichsen, K. (2016). *Israel and the Arab Gulf States: Drivers and Directions of Change*, Center for the Middle East, Rice University's Baker Institute for Public Policy, September.
- Daoud, D. (2015), Meet the Proxies: How Iran Spreads Its Empire through Terrorist Militias, the Tower. From: <http://WWW.TheTower.Org/article/meet-the-proxies-how-iran-spreads-its-empire-through-terrorist-militias>.

- Del Sarto, R. A., Malmvig, H., & Lecha, E. (2019). "Interregnum: The Regional Order In The Middle East And North After 2011," Middle East and North Africa Regional Architecture: Mapping Geopolitical Shifts, Regional Order and Domestic Transformations.
- Delaney, J. S. (2009). *The Unlikely Partnership: The State of the U.S.-Saudi Relationship*. Hawaii Pacific University.
- Doubine, S. (2015). "What do Russia and Iran think about Saudi Arabia, s coalition initiative?", Euro News, Available at: <https://www.euronews.com/2015/12/15/What-do-russia-and-iran-think-about-saudi-arabia-s-coalition-initiative>, (Access on ,6 December, 2021).
- Goldberg, J. (2016). "The Obama Doctrine: The U.S. President talks through his hardest decisions about America s role in the World", The Atlantic Available at: <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/>,(Access on , 22November,2021).
- Gulick, E. V. (1955). *Europe s Classical Balance of Power*, New York, W. W. Norton & Company.
- Harlow, W. F. (2016). "Strategic Silence as a Frame For Understanding the 2017 Embargo Against Qatar", *Journal of Contemporary Rhetoric*, 7(4).
- Hartmann, L. (2016). "Saudi Arabia as a Regional Actor: Threat Perception and Balancing at Home and Abroad, States & Societies in the Gulf Monarchies Essay", Sciences Po PSIA.
- Kamrava, M. (2012). *The Arab Spring and the Saudi-Led Counterrevolution*, Foreign Policy Research Institute.
- Lowe, R., & Spencer, C. (2006). *Iran, Its Neighbors and the Regional Crises*, London, Chatham house.
- Malmvig, H., Jordi, Q. & Eduard, S. L. (2016). "The Contemporary Regional Order", The Analytical Framework of the MENARA Project", in *MENARA Methodology and Concept Papers*, No. 1 (November), pp. 33-55.
- Matthiesen, T. (2015). *The domestic sources of Saudi foreign policy: Islamists and the state in the wake of the Arab Uprisings*, Brookings Institution, Rethinking Political Islam Series, August.
- McDowall, A., & Bakr, A. (2015). "Saudi King aims for new Sunni bloc vs Iran and Islamic State", Reuters, <https://WWW.Reuters.com/article/us-saudi-mideast-brotherhood/Saudi-king-aims-for-new-sunni-bloc-vs-iran-and-islamic-state-idUSKBN>.
- Mckernan, B. (2017). "Mohammed bin Salman: Who is Saudi Arabia s new Crown Prince?", The Independent, 21 June.
- Meighan, B. (2017). *Challenges Ahead for Egypt's Economy*, Carnegie Endowment for International Peace, December 05.
- Nuruzzaman, M. (2013). "Politics, Economics and Saudi Military Intervention in Bahrain", *Journal of Contemporary Asia*, 43(2).
- Quandt, W. B. (1981). *Saudi Arabia in the 1980s: Foreign Policy, Security and Oil*, Washington, D.C., The Brookings Institution.
- Romaniuk, S. (2018). *The SAGE Encyclopedia of Surveillance, Security*.
- Salem, P. (2008). "The Middle East: Evolution of a Broken Regional Order", *Carnegie Middle East Center*, No. 9, June.
- Walt, S. M. (1998). "International Relations: One World, Many Teories", *Foreign Policy*, Spring 1998.
- World Politics Review (2019). "How Saudi Arabia is trying to counter Iranian influence in Iraq", <https://WWW.Worldpoliticsreview.com/trend-lines/27900>
- WWW.vision2030.gov.sa/download/file/fid/422.:، على الموقع: (٢٠١٦)، ٢٠٣٠ رؤية المملكة العربية السعودية

شهاب، سلام جبار، (٢٠١٢)، «الدولة الريعية وصياغة النظم الاقليمية (دول الخليج انموذجاً)»، مجلة السياسية و الدولية،

الجامعة المستنصرية، العدد ٢١.

عبدالشافی، عصام، (۲۰۱۶)، *السیاسة السعودیة و القضايا الاقليمية (الجزء الاولک نشاه و تأسيس العلاقات الامریکیة - السعودی)*، دراسات سیاسیة، ۲ مايو ۲۰۱۶، المعهد المصری للدراسات السیاسیة و الاستراتیجیة.